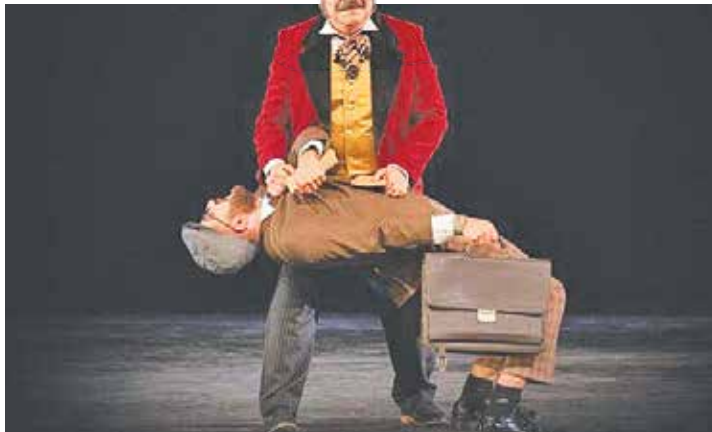




# نگاهی به نمایش «فردریک»

آقای فردریک تئاتر محل خواب نیست، جایی برای بیداری است

ونوس بهنود  
روزنامه‌نگار



فردریک لومتر بازیگر محبوب تئاتر فرانسه در قرن ۱۹ که از قضا با اقتباسی از یک نمایشنامه میهمان تئاتر شهر تهران بود، دست بازیگران خاص پسند را خالی گذاشت.

دو نفر در ابتدای نمایش می رقصند. یک مرد و یک زن. برای شروع و گرم کردن مخاطبی که شنیده است، نمایش فردریک به فروش میلیونی رسیده، کافی است که رقص یک زوج را البته بدون تماس بدنی اما با همان ظرافت‌های رقص‌های اروپایی مشاهده کند. زمانی که یک نفر فریاد می زند: «آقایان، خانم‌ها، تئاتر محل خواب نیست، بلکه جایی برای بیداری است»، مخاطب از خلسه خارج شده و گوش تیز می کند تا بداند اقتباس نمایش یکی از کارگردانان معروف فرانسه، اریک امانوئل اشمیت چه حرفی برای گفتن دارد.

در توصیف این نمایش آمده است: «فردریک سرگذشت ستاره بازیگری تئاتر بولوار در پاریس و فرانسه قرن نوزدهم است. فردریک لومتر، بازیگری افسانه‌ای است که تمام نقش‌ها و ژانرها را آزموده است. او میلی سیرینی ناپذیر برای بازیگری دارد. از لذت‌های زندگی چیزی نیست که تجربه نکرده باشد اما چند ماهی است که در میان تماشاگران متوجه دو چشم می‌شوی رنگ می شود که در تاریکی فضای سالن نمایش همچون چشمان گربه می درخشند و این سرآغاز نمایشنامه شورانگیز اریک امانوئل اشمیت است.»

اما اریک امانوئل اشمیت نویسنده، نمایشنامه‌نویس و فیلسوف فرانسوی است که نوشته‌های او به ۴۳ زبان دنیا منتشر شده و نمایشنامه‌های او در بیش از ۵۰ کشور روی صحنه رفته است.

وی دکترای فلسفه نیز دارد.

چندین جایزه تئاتر مولیر فرانسه، جایزه بهترین مجموعه داستان گنکور، جایزه آکادمی بالزاک همراه بسیاری از جوایز فرانسوی و خارجی از جوایز اهدا شده به اشمیت است. نمایشنامه‌هایی از او نظیر «خرده جنایت‌های زناشویی» و «همانسرای دو دنیا» و آثاری از مجموعه داستان «گل‌های معرفت» مانند «میلارپا»، «ابراهیم آقا و گل‌های قرآن»، «اسکار و خانم صورتی» و «سوموکاری» که نمی توانست تنومند شود» همراه چندین رمان دیگر به فارسی ترجمه شده‌اند.

از طرفی کارگردان نمایش فردریک، حمیدرضا نعیمی، خود را منتسب به هیچ ژانر و سبک خاصی نمی داند. او آثار متنوع و مختلفی دارد اما اقتباس از آثار مطرح دنیا یکی از علائق و نگاه‌های خاص این نویسنده است. نمایشنامه‌های «آژاکس»، «مکبث»، «کالون و قیام کاستلیون»، «شاه لیر»، «فاوست»، «رابینسون کروزوئه»، «شوایک»، «ریچارد»، «زال و رودابه» و «ضحاک نمی میرد»، جزو مهم‌ترین آثار اقتباسی حمیدرضا نعیمی است.

چنین کارنامه‌ای کافی است تا مخاطب با این نظر قطعی و نه فرض مسلم به اجرای نمایشی بنشیند که اثری ماندگار و عمیق بوده باشد اما فردریک چنین نکرد و دست مخاطبان را در حنا گذاشت.

اندیشه‌های نو و سازنده را به آن تزریق کند، اهمیت دارد. شاید به این دلیل واضح که سلیقه مخاطب به همین ترتیبی که ملاحظه می شود، تنزل داده شده است و اثر فاخر دیگر انتخاب او نیست. فردریک با داستان یک بازیگر تئاتر آغاز می شود؛ بازیگری که به کرات در فیلم عنوان می شود که با بانوان خوش مشرب است و در نهایت نیز مجبور به تصمیم‌گیری ماندن با رفتن می شود. با وجود تلاش کارگردان در بازتولید تیپیکال‌های شخصیتی مختلف در این نمایش، مخاطبان می پرسند این همه هیاهو برای چه و پیام آن چیست؟

## آیا تئاتر در حال فریب ما است؟

مخاطبانی که سالن را ترک می کردند اغلب به دلیل طنزها و جلوه‌های بصری نظر مساعدی نسبت به نمایش داشتند و خود این موضوع این جمله را تداعی می کند که آیا تئاتر در حال فریب ما است؟ فردریک در جایی می گوید: «خانم‌ها و آقایان، اجازه دهید از موفقیت این شب استفاده کنم و به شما بگویم، بدترین عیب‌ها را به بازیگران نسبت می دهید. ما را فریبکار، ریاکار، دروغگو، منفعت‌طلب، حریص و چاپلوس معرفی می کنید» روندی که به نظر می رسد در تئاتر هم مانند سینما در حال ریشه دواندن است. اینکه بتوان با فریبی شیرین بیشتر دیده شد؛ فریبی از سطحی بودن‌هایی که اتفاقاً نقطه زوال است. تئاتر، هنر نخبگان است. چه کسانی که در آن ایفای نقش می کنند و چه گروهی که به تماشاگر آن می روند، به دنبال کشف حقایقی از قلب بازیگر هستند. به دنبال تأثیرپذیری عمیقی از حقایقی که آشکار می شود. در تئاتر حتی رنگ‌ها، نورها و صداها نیز در اختیار پیامی هستند که مخاطب شاید در ساخته صنعتی شده‌ای مانند سینما نمی یابد. آقای فردریک ما به دنبال بیداری بودیم اما در میانه داستان شما به خواب رفتیم.

## چرا فروش میلیونی رنگ و بزرگ؟

روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی پیش از این اعلام کرده است که «نمایش فردریک» به کارگردانی حمیدرضا نعیمی که از روز ۷ آذر در تالار اصلی تئاتر شهر با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۲۰۰ و ۱۰۰ هزار تومان اجرای خود را آغاز کرده، با مجموع ۳۷ اجرا و میزبانی از ۱۳ هزار و ۳۲۴ مخاطب (با احتساب بلیت تمام بها، نیم بها، تخفیف دار و میهمان) توانست به فروش ۲ میلیارد و ۱۱۱ میلیون و ۴۰۴ هزار تومانی دست پیدا کند. این آمار است که تا روز ۲۳ دی منتشر شده است و اجرای این نمایش همچنان ادامه دارد.

چنین آماري از فروش آن هم درست در وضعیتی که آثار فاخری همزمان با فردریک روی صحنه بوده و آنها هم فریاد زده‌اند آقایان و خانم‌ها تئاتر جایی برای بیداری است، قابل توجه است و این پرسش را به دنبال دارد که چرا به سمت و سویی رفته‌ایم که هنر نمایشی حتی مغایر آرمان‌های خود بیشتر در فریب بصری مخاطب محدود شده است؟ در واقع نه تنها هنر نمایشی بلکه نگاهی به سایر شاخه‌های هنری نیز نشان می دهد که رنگ و بزرگ بیشتر از مضامین معنادار که بتواند ذهن را بتکاند و

## تئاتری برای سرگرمی به اسم تعمق اندیشه

آیا نمایش فردریک برعکس‌های سوزناک زنان زیبا، آوازها و دیالوگ‌هایی که بهتر است کودکان آن را نشنوند، متمرکز است؟ آیا قرار است متنی از جمله‌هایی که شرم و انفعال خنده را با هم به دنبال دارد، پیام نمایش باشد؟ این سؤالی است که مخاطب باید پاسخگو باشد و از آن جایی که نگاه فلسفی حاکم در فیلم خیلی هم به عمقی که ادعا می شود نزدیک نیست، مخاطبان خاص پسند نمی توانند به فردریک نمره قبولی بدهند.

درست است که فردریک زیبا و پردرخشش است و درست است که می تواند دو ساعت مخاطب را روی صندلی میخکوب کند اما تئاتر محلی برای میخکوب شدن سکرآور بدون القای اندیشه متعالی نیست و مشخص نیست کارگردان برخلاف سابقه درخشان خود در اقتباس از آثار خارجی چرا در فردریک تا به این درجه از فرهنگ بومی فاصله گرفته و نمی تواند از مسیر دیالوگ‌ها جرقه‌ای در ذهن مخاطب ایجاد کند.

تا جایی که به نظر می رسد نقل و نبات طنز نمایش بیشتر شبیه کلوچه‌هایی است که مانند دمی در مسیر ذهن مخاطب چیده شده و می خواهد او را به مسیری نامشخص هدایت کند.



درست است که فردریک زیبا و پردرخشش است و درست است که می تواند دو ساعت مخاطب را روی صندلی میخکوب کند اما تئاتر محلی برای میخکوب شدن سکرآور بدون القای اندیشه متعالی نیست و مشخص نیست کارگردان برخلاف سابقه درخشان خود در اقتباس از آثار خارجی چرا در فردریک تا به این درجه از فرهنگ بومی فاصله گرفته و نمی تواند از مسیر دیالوگ‌ها جرقه‌ای در ذهن مخاطب ایجاد کند

